

حقیقت شرک



دکتر هدایت هوشینیراستگارمقدم

واژه شرک این گونه تعریف شده است: «شریک شدن در فعل و اراده به‌طور مستقل با چیز دیگر»، بنابراین شرک و اشراک یعنی شریک کردن. خداوند متعال در یک آیه شریفه از قول حضرت موسی^(ع) می‌فرماید: «اشْهَدُ بِهٖ اُزْرٰی وَاَشْرَکُۢهُ فِیْ اُمْرِیْ، به‌واسطه برادرم، پشتم را محکم گردان و در کارهای من، او را شریک و سهیم بفرما». (سوره طه، آیات ۳۱/۳۲). پس شریک به معنای فردی است که در کاری یا در چیزی با دیگری سهیم باشد که برای خدای تعالی در مُلک و سلطنت عالم هستی، هیچ فردی شریک و سهیم نیست: «وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ». (سوره فرقان، آیه ۲)، یعنی در حکومت و تدبیر عالم، شریکی نداشته است. پس همان گونه که گفته شد، مراد از شریک در این آیه شریفه الهی، شخصی است که به‌طور مستقل در تدبیر و حاکمیت عالم با خداوند سهیم باشد، وگرنه خدای تعالی برای تدبیر عالم، واسطه‌هایی از فرشته و غیر آن آفریده است که هریک از آن‌ها وظایفی را به‌عهده دارند.

اقسام شرک

در باره اقسام شرک سخن بسیار گفته شده است و هریک به جهتی از جهات آن را بیان کرده‌اند. شرک به این اقسام، تقسیم‌بندی شده است: شرک در خالقیت، شرک در تدبیر و حکومت، شرک در عبادت، شرک خفی (پنهان)، شرک جلی (آشکار)، شرک در ربوبیت و شرک در عبودیت که از همه این‌ها شرک در ربوبیت و عبودیت، بیشتر از همه محل توجه قرار گرفته است. شرک در ربوبیت، هم‌راور است و هرکه به این نوع شرک معتقد باشد و در ربوبیت برای خدای تعالی شریک قرار دهد، کافر است. این نوع شریک قرار دادن، بدترین و شنیع ترین نوع شرک است که اعتقاد به آن، ظلمی عظیم برای انسان است. جناب لقمان^(ع) در سفارش خود به فرزندش فرمود: «بِائْتِیْ لَاشْرَکَ بِاللّٰهِ الْاَشْرَکَ لَظُلْمٌ عَظِیْمٌ». (لقمان/۱۲). این نوع شریک قرار دادن برای خدای تعالی، شرک در ربوبیت است. شرک در عبادت: اگر عبادت کردن هر چیزی بدون اذن الهی باشد، شرک در عبادت خواهد بود و هرکه چنین عبادتی را انجام دهد، مشرک و کافر خواهد بود. اما اگر عبادت غیر خدای تعالی به اذن خدای تعالی باشد، این نوع عبادت عین عبادت خدای تعالی است که اگر از آن سرباز زده شود، کفر خواهد بود. چنان که خدای تعالی فرمان داد بر آدم سجده کنید. همه سجده کردند الا ابلیس که می‌فرماید: «کَانَ مِنَ الْکَافِرِیْنَ»، یعنی او از کافران بود: «وَ اِذْ قُلْنَا لِلْمَآلِکَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَیْءَ وَاٰلَا اِیْلَاسِ اَبٰی وَاَسْتَكْبَرُ وَاَنَّ مِنَ الْکَافِرِیْنَ». (سوره بقره، آیه ۳۴). پس در شرک عبادی مصحح و آنچه موجب می شود عبادت صحیح باشد، اذن الهی است. تا اذن نباشد، هر عملی محکوم به شرک خواهد بود.

خدای تعالی به عیسی^(ع) می‌فرماید: «وَ اِذْ قُلْ... یَا عِیْسٰی ابْنُ مَرْیَمَ اَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخَذُوْنِیْ وَاَهْلِ الْاٰلِهَیْنِ مِنْ دُوْنِیْ...؟» (سوره مائده، آیه ۱۱۶) «آیا توبه مردم گنتی مرا و مادر مرا به‌عنوان خدا قبول کنی، بدون اینکه اذنی از ناحیه خدا داشته باشی؟»، بنابراین برخی مفاهیم و حقایق در قرآن کریم وجود دارد که تنها اختصاص به حق تعالی دارد و به هیچ فردی اذنی برای آن داده نشده است، مثلا خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «اِنَّ اللّٰهَ لَیْلَهُ جَمِیْعًا، مؤثر در نیرو و قدرت فقط خدای تعالی است و مخصوص اوست». (سوره بقره، آیه ۱۶۵). یعنی هیچ فردی نمی‌تواند نیرو و قدرت را به دیگری افاضه کند جز خدای تعالی یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فَاِنَّ الْغَیْثَ لَیْلَهُ جَمِیْعًا». (سوره نسا، آیه ۱۳۹). عزت نیز همانند قدرت، تنها از ناحیه خدای تعالی افاضه می‌شود و هیچ شخصی در ارائه عزت و افاضه آن با خدای تعالی شریک نیست.

پس اگر فردی گمان کند که غیر خدای تعالی عزت می‌بخشد، برای خدای تعالی شریک قائل شده است و محکوم به کفر خواهد بود و همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است: «اِنَّ الَّذِیْنَ یَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِیْ... عِبَادًا مُّشْرَکَیْنَ کَسَانِیْ رَا کَ غَیْرَ از خدایم خوانید[و پرستش می کنید]. بندگانِ همچون خود شما هستند» و نیز می‌فرماید: «وَالَّذِیْنَ یَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِیْ لَا یَسْمَعُوْنَ نَجْوٰکُمْ وَاَلَا تَفْسَهِمُ یُفْضَرُوْنَ. و همچنین: «وَالَّذِیْنَ یَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِیْ... لَا یَخْلُقُوْنَ شَیْئًا وَّهُمْ یَخْلُقُوْنَ». (سوره نحل، آیه ۲۰) و صدها آیه نظیر این‌ها که همه در د معبودهایی است که بدون اذن الهی، آن‌ها را معبود خود ساخته‌اند و عبادت می‌کنند، بنابراین چون خالق و مدبر تمام موجودات خداست و معبود همه عالم اوست، پس باید او اذن دهد که چه چیز را عبادت کنیم و چه چیزی قابل اطاعت و عبادت نیست و اگر چیزی را که او اذن دهد به عبادت، پرستش نشود، عین کفر است، چنان که شیطان عمل کرد و خدای تعالی فرمان اطاعت از رسول خدا^(ص) را به همه مؤمنان صادر کرده است: «قُلْ اطِیْعُوا... وَالرَّسُوْلَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ... لَا یُجِبُ الْکَافِرِیْنَ». (سوره آل عمران، آیه ۳۲) و همچنین فرموده است: «یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اطِیْعُوا... وَاطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاوَلٰی الْاَمْرِ مِنْکُمْ». (سوره نسا، آیه ۵۹). پس هر که از فرمان و اطاعت رسول^(ص) سر باز زند، چون خدای تعالی فرمان به اطاعت ایشان داده است، گویا فرمان الهی را اطاعت نکرده است و محکوم به کفر خواهد بود.

حکم رسیدگی به توان‌یابان و معلولان ذهنی نامحرم

در این ستون به پرسش‌های شما در باره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرمای می‌توانید پرسش‌های خود را به‌شماره پیامک ۰۷۲۸۹۳۰۰ یا ما در میان بگذارید.

آیا کار کردن با انسان‌هایی که هم از لحاظ فیزیکی و هم ذهنی معلول هستند، اشکالی دارد؟ البته اگر از جنس مخالف باشند؟ مثلا حمام دادن نشان، لباس به تن کردنشان، توالیت بردنشان؟ آیا فرقی هم بین پیر و جوان بودنشان دارد؟ آیا باید مقابل آنان حجاب داشت؟

آیت...العظمی‌خامنه‌ای

در صورت وجود هم‌جنس، وی انجام دهد و تا حد امکان از نگاه به قسمت‌های خصوصی بدن او پرهیز کند و از دستکش استفاده نماید و اگر هم‌جنس امکان نداشته باشد، غیرهم‌جنس در حال ضرورت به همین ترتیب که گفته شد، عمل کند.

وبه‌رحال فرد معلول ذهنی اگر هوش و حواس دارد، لازم است در مقابل او حجاب داشت.

آیت...العظمی‌سیستانی

نگاه کردن یا لمس نقاطی از بدن انسان که پوشش آن در برابر نامحرم ضروری است، برای شخص دیگر حرام است و درمورد حجاب اگر فرد معلول ممیز نباشد، واجب نیست.

آیت...العظمی‌مکارم‌شیرازی

هرگاه دسترسی به جنس موافق نباشد برای کمک به آنان، مانعی ندارد و درمورد امر حجاب چنانچه افراد معلول خوب و بد را تشخیص دهند، در مقابل آن‌ها باید حجاب را رعایت کنند.

آیت...العظمی‌صافی‌گلپایگانی

اگر موجب‌نظر به قسمت‌های خصوصی بدن یا قسمت‌هایی از بدنشان که معمولاً می‌پوشانند یا لمس آنان باشد، اشکال دارد. چنانچه ممیز نباشد، حجاب لازم نیست؛ گرچه کشف حجاب بیش از مقدار متعارف هم خالی از اشکال نیست.

آیت...هادوی‌تهرانی

نگهداری از معلولان اشکال ندارد، البته درصورتی که نگاه کردن یا لمس آن‌ها با حس گناه آلود همراه نباشد. احتیاط آن است که در جنس مخالف به افراد پیرا کتفا شود و فقط از آن‌ها نگهداری کنید، البته اگر اضطرار به این شغل دارید، در حد ضرورت، نگهداری از معلولان با جنس مخالف، هرچند جوان باشند، جایز است.



شهریار
شاهرانوز
۴شنبه
۱۷ خرداد ۱۴۰۲
دایره‌ی فرهنگ
شماره ۳۵۷

۱۴



استاد حوزه علمیه در گفت‌وگو با شهرآرا از بایسته‌های آیین عبادی حج می‌گوید

عیار بندگی در موسم حج

آمنه مستقیمی | فرارسیدن موسم حج و راهی شدن حجاج بیتا...الحرام از نقاط مختلف دنیا برای ادای فریضه‌ای که زیباترین اجتماعات بشری را رقم می‌زند، فرصتی است مغتنم تا بازخوانی کنیم اسرار و ویژگی‌های نهان در این اعمال و مناسک را که هریک دنیایی متفاوت را برای انسان خلق می‌کند. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محسن اذیب‌بهرورز، استاد سطوح‌عالی حوزه‌علمیه قم و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم‌پزشکی ایران، در این باره در ادامه می‌آید.

حجاجی که میل به گناه ندارند

✚ در متون اسلامی بیان شده است همه گناهان -البته گناهانی که در دایره حق ا... هستند نه حق الناس- در زائر قبل از بین می‌رود، هرچند این اثر به‌کیفیت اعمال ارتباط دارد، یعنی به تناسب کیفیتی که هست، این اثرگذاری لحاظ می‌شود و آثار گناهان از بین می‌رود. اثر نخست، مشهود و قابل درک است و آسبایی به اموال و خانواده حاجی نمی‌رسد اما چطور بفهمیم که اثر دوم بر زائر بیتا... مرتب است؟ وقتی آخرین عمل که در تفکر شیعه، نماز طواف نسا است، انجام شد، اگر در درون زائر میل به گناه کلا از بین رفت، حج چنین اثری را گذاشته است. به‌عبارت دیگر، وقتی آثار مربوط به حقوق ا... در انسان محو شود، میل به گناه در او از بین می‌رود. وقتی تمایل نباشد، اراده به گناه صفر تا صد از بین رفته است. بزرگ‌ترین مشکل ما در مدار کمال، میل به گناه است.

✚ باید به یاد داشت که هر سفر حج، آثاری متفاوت با دفعات قبل دارد؛ یعنی اگر حج تکرار شود(در روایات بر این مهم تأکید شده است) آثار سفرهای بعد کاملاً متفاوت می‌شود. مشابه این ویژگی تقریباً در تلاوت عمیق و معنادار قرآن مجید نیز مشاهده می‌شود؛ یعنی هر تلاوت با تلاوت قبل متفاوت است. به‌عبارت دیگر اگر در این مدار قرار بگیریم، اگرچه ظاهر کار تکرار است، نتایج و آثارش با دفعات قبل متفاوت می‌شود، برای مثال یکی از اعمال حج، طواف دور خانه خداست که نباید کمتر یا بیشتر از هفت‌مرتبه باشد. شاید در ذهن برخی، این گشتن‌ها تکرار باشد، درحالی‌که با تعمق در روایات درمی‌یابیم که هرمرتبه طواف، خصایص و آثار خود را دارد تا می‌رسیم به دور هفتم که حال صعود و عروج به انسان می‌دهد.

توصیه به ادای حق الناس

اگر زائری حق الناس را ادا نکند و به حج مشرف شود، هرچه تلاش کند، تغییری را که باید، حس نمی‌کند، لذا توصیه شده است قبل از حج، حق الناس ادا شود. اگر بخشی از این حقوق را بدانیم، برای برداشتن این سد، راهکاری است که اگر به آن عمل کنیم، از انسانی معمولی تبدیل می‌شویم به انسانی که همه وجودش، شوق همراهی و انس با خالق است.

راه‌های ادای حق الناس

در بُعد مادی، حق افراد با رد مظالم ادا می‌شود؛ یعنی برای افرادی که نمی‌شناسیم، مثلاً ۲میلیون تومان بدهکاری را با اجازه مرجع تقلید خودمان به نیابت از آن‌ها که حقی بر گردنمان دارند، به فقرا کمک می‌کنیم. اگر روزی یکی از آن‌ها پیدا شد و پذیرفت که هیچ و اگر نپذیرفت، آن کمک به فقرا برای خودمان لحاظ می‌شود و خسارت او را می‌پردازیم. در حق الناس غیرمادی نیز به‌جای آن افراد به‌ویژه در زمان‌های خاص همچون روز عرفه و عید قربان یا هنگام حضور در حرم‌های مطهر اهل بیت^(ع) که آثار دعا در آن‌ها متفاوت است، در درگاه الهی، دعا و طلب مغفرت می‌کنیم.

✚ ویژگی نخست آن است که خداوند حج را بر فردی که تمکن مالی دارد، واجب کرده است و این واجب، جبران‌ناپذیر است و هیچ عملی حتی زیارت امام حسین^(ع) نمی‌تواند جایگزین و بدیل حج شود، حتی طبق نظر فقها اگر حج بر شخصی واجب شود و آن را انجام ندهد یعنی امکان مالی و جسمی داشته باشد اما به حج نرود، در برزخ محبوس می‌شود تا زمانی که وارثان او، حج را به نیابتش انجام دهند.

✚ ویژگی دوم آن است که این زیارت بی‌شک نتیجه‌بخش است، منتها این نتیجه می‌تواند مثبت و معنادار باشد یا منفی؛ یعنی حج، عملی است که وقتی شخصی در مدار آن قرار گرفت، حتماً آثاری بر اعمالش مرتب می‌شود.

✚ ویژگی سوم این است که اگر حج پذیرفته نشود، زائر با آثار منفی بازمی‌گردد، نتیجه منفی حج، درونی و شخصی است که روایات از آن به قساوت قلب تعبیر می‌شود؛ یعنی هرکه حتی ناخواسته و ندانسته حشش باطل شود، علاوه‌بر اینکه حج را از دست داده است، دچار قساوت قلب خواهد شد، اما اگر حشش مقبول باشد، نتایج مثبتی بر آن مرتب می‌شود. یک نتیجه که عمومیت دارد، آن است که خداوند، خلأ زائر را در حفظ خانواده و اموالش در مدت زمان حج پر می‌کند(در گذشته حج یک سال طول می‌کشید). طبق روایات این نتیجه برای همه حاجیانی که حج قبول و هوشمندانه داشته باشند، به‌دست می‌آید.

✚ ویژگی چهارم که منحصر به حج است، آن است که اگر سالی کعبه حاجی نداشت، حاکم شرع می‌تواند افراد را به حج مجبور کند؛ یعنی هیچ‌وقت نمی‌شود که هنگام حج، کعبه خالی از حاجی باشد! پس حج رابطه‌ای دوسویه است؛ از یک‌سو آثاری بر حاجی می‌گذارد و از دیگرسو در نظام هستی و الهی، تحولاتی را رقم می‌زند. از این نظر است که این فریضه بدیل ندارد.

شرط حج مقبول و سعی مشکور

اعمال حج با دو شاخصه ما را به نتیجه می‌رساند، نخست، انجام اعمال منطبق با قواعد و ضوابط فقهی و دوم آنکه در همه اعمال حتی تقصیر که به‌ظاهر جزئی و معمولی است، اخلاص را رعایت کنیم؛ یعنی همه این اعمال چه سخت‌ترینشان که طواف است چه تقصیر، فقط و فقط برای خدا باشد. اگر زائر شرط اول را رعایت کرد اما در شرط دوم هدفش این بود که دیگران بدانند به حج رفته است و او را حاجی بخوانند، حشش به مقصد نمی‌رسد، لذا حتی پس از نماز طواف نسا هم تغییری در شخصیت او رخ نمی‌دهد. زائر با قصد قربت و خلوص است که نردبان بی‌میلی به گناه را بالا می‌رود.



حجت‌الاسلام والمسلمین ادیب‌بهرورز:

اگر زائری حق الناس را ادا نکند و به

حج مشرف شود، هرچه تلاش کند،

تغییری را که باید، حس نمی‌کند،

لذا توصیه شده است قبل از حج،

حق الناس ادا شود

